

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

خبرگزاری چین  
برگردان از: ظفر دخت خواجه پور و یادداشت پورتال  
۰۴ دسمبر ۲۰۲۰

## ویولن دوم همچنان نواساز است

نوشتاری از خبرگزاری چین، شینهوا به مناسبت دویستمین سال تولد فردریش انگلس



مجسمه فردریش انگلس با فراک، ریش کامل (تویی) و بازوهای صلیب وار بر سینه به قلب محل خرید و فروش شیک و مدرن مرکز شهر منچستر نظر دوخته است.

مجسمه سه سال پیش در منچستر، گهواره انقلاب صنعتی برپا شده است.

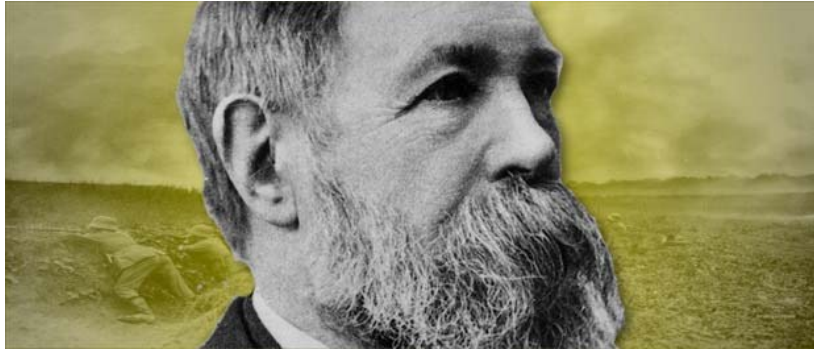
در جریان انقلاب صنعتی این شهر انگلیس و بخشی از اروپا سیاهترین و ضد انسانی ترین روی سرمایه داری را تجربه کردند.

فردریش انگلس که خود را «ویولن دوم» می نامید، با کارل مارکس (دوست) مورد اعتماد با پشتکار تمام کار می کردند. هر دو واقعیت قواعد بازی تحت سیستم سرمایه داری را تحقیق می کردند و به این نتیجه نهائی رسیدند که سرمایه با تلاش زیاد در درجه اول برای سود، بدون توجه به زندگی انسانی به کار گرفته شده است. تئوری های پیشگامانه آن ها سیر تاریخ را در قرن نوزدهم تغییر داد.

دو صد سال بعد از تولد انگلس جهان تغییرات بی مانندی را تجربه می کند: شدیدترین پاندمی در صد سال اخیر، بدترین بحران جهانی

اقتصادی بعد از بحران اقتصادی (دپرسیون) سالهای ۱۹۳۰ و درگیری های مکرر اجتماعی بعد از بحران اقتصادی منجر به تجدید نظر در نقش سرمایه ها گشته و به یک نو آوری نظری اساسی در نحوه و نوع حکومت منتهی شده است.

این امر بدیهی است که تأثیر جهانی نوشتارها و تلاشهای جمعی مارکس و انگلس به زمان آن ها محدود نمی شود. نقطه نظر های آگاهانه آنها، بیشتر از اینها می توانست روشنائی بر راه آینده افکند، آگاهی هائی که باید جهان را در زمان بی امنیتی عمیق به راه درست بیندازد.



فردریش انگلس به عنوان پسری از یک خانواده مرفه و صاحب کارخانه نساجی در خانه‌ای به سبک زمان باروک در بارمن (Barmen) بخشی از ووپرتال (=Wuppertal= امروز) در قلب منطقه روهر (Ruhrgebiet)، جایی که او دوران کودکی و جوانی اش را گذراند، زاده شد. ووپرتال\_ امسال\_ سال دوهزار و بیست، دوصد سالگی زاد روز انگلس در بیست و هشتم نومبر سال هزار و هشتصد و بیست\_ سال انگلز\_ را جشن می‌گیرد. همه جا در این شهر پوسترهائی دیده می‌شوند که یک جوان، انگلس فعال و پر انرژی را نشان می‌دهند که به عنوان متفکر، کاری و فعال و ووپرتالی، تقدیر و ستایش می‌شود.

آدم از خود می‌پرسد برای چه هنوز امروز روز در المان، جایی که مارکسیسم آموزه رایج به حساب نمی‌آید، همچنین در منچستر، در جایی که مجسمه را که از دهکده ای در شرق اوکراین با آب و تاب از اروپا به انگلستان آورده و برای بزرگداشت او بر پا شده است، از انگلس یاد می‌کنند.

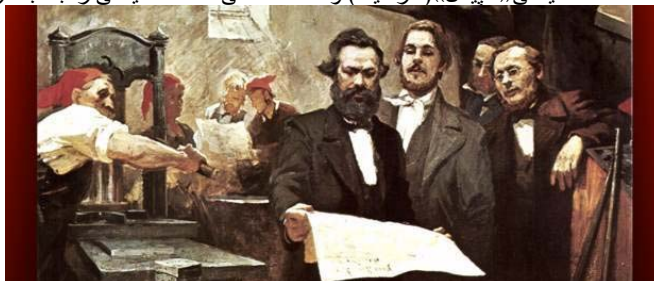
دکتر لارس بلوما، دانشمندی در مرکز تاریخی ووپرتال به خبرگزاری شینهوا گفته است که این امر به این دلیل است که بخشی از تفکر انگلس اگر چه در زمان خودش ریشه‌دار و مربوط به آن زمان است، «فراتر از آن زمان اوست و امروز نیز مهم و الهامبخش است.» بلوما گفته است که: با وجودی که امروز، سرمایه داری غربی با آن زمان تفاوت دارد، هنوز هم انسان کوشش می‌کند از تئوری‌های انگلس استفاده کند تا از اشتباهات سرمایه داری جلوگیری کند.

در آکادمی دانشمندان برلین -براندنبورگ، در برلین گروهی از دانشمندان همراه با همکاران بین المللی شان، تلاش زیادی می‌کنند تا تعداد زیادی از نوشته‌های اصلی مارکس و انگلس را جمع آوری کنند و نسخه ای کامل تألیف نمایند.

دانشمندان در چهار چوب پروژه نسخه آثار کامل مارکس و انگلس (MEGA) می خواهند مجموعه‌ای مدون از کارها و آثار، دست نوشته ها و نامه‌های آن‌ها را منتشر کنند که تا آنجا که ممکن است جامع و در واقع نسخه اصلی باشد.

جرالد هوبمن رئیس تحریریه نسخه کامل، در برابر شینهوا بر اهمیت اساسی آثار مارکس - انگلس تأکید کرد. همچنین هوبمن می‌گوید که از زمان بحران اقتصادی سال دو هزار و هشت، علاقه و توجه به مارکس و انگلس در میان شکاف افزایش یافته اجتماعی و بحران در گریه‌های اجتماعی، تازه پدیدار شده است. بخش محل کار او برای نشر یک نسخه علمی از آثار انگلس «وضعیت طبقه کارگر در بریتانیا» را برای جشن دوصد سالگی زادروز انگلس برنامه‌ریزی می‌کند. هوبمن گفته است که: "تا زمانی که مسائل اساسی و عمیق اجتماعی سرمایه داری و این بدبختی و بیچارگی ماندگار است، مارکس و انگلس این تئورسین های طبقات اجتماعی و منقدان سرمایه داری پایدار خواهند ماند."

واترستونزس، کتابفروشی زنجیره نی بزرگ بریتانیا، از زمان بروز بحران جهانی روز افزون مالی، فروش فراینده مانفیسست کمونیست و اثر برجسته مارکس در زمینه اقتصاد سیاسی «کاپیتال» (سرمایه) و انتقاد اساسی اقتصاد سیاسی را به ثبت رسانده است.



هوبمن گفته است: مردم به طبقات بر می گردند، تا الهام و پیشنهادهایی برای حل مسائل جوامع امروز پیدا کنند.

در پانز هزار و هشتصد و چهل و دو، انگلس در سن بیست و دو سالگی به منچستر که معروف به مرکز بزرگ پنبه «Cottonopolis» بود، نقل مکان کرد و برای کارخانه سرمایه‌گذاری شده فامیلش آغاز به کار کرد. در شهر محل سکونت دوم خود پیوند دوستی بین انگلس و مارکس محکم شد، هر دو آغاز به تدوین و تکامل تئوری‌های نوین انقلابی کردند.

Little Irland (ایرلند کوچک)، امروزه محلی مسکونی محصور با دیواری قرمز رنگ در منچستر، به نظر آرام و صلح آمیز و ساده می آید. ولی بنا به گفته انگلس این محیط مسکونی کارگران ایرلندی یکی از «بدترین زاغه نشین های شهر» با شرایط زندگی دلهره آور بود، شرایطی که انسان‌ها را به آخر خط می رساند.

شرایط زندگی غمبار کارگران بود که انگلس را به نوشتن اثر انقلابی "وضعیت طبقه کارگر در بریتانیا" واداشت. مارکس آشکارا به شدت تحت تأثیر این کتاب قرار گرفت و این دو نفر که کاملاً به طبقات اجتماعی متفاوتی تعلق داشتند وظیفه خود دانستند که باید باهم روند تاریخ بشری را تغییر دهند.

Chetham s Library کتابخانه چتهامس، ساختمانی آجری قهوه ای روشن قرون وسطائی رفاقتی عمیق بین انگلس و مارکس را گواهی می دهد. یک میز تحریر دوباره رنگزده بلوط، مشهور به میز تحریر مارکس از همان زمان تقریباً دست نخورده در نزدیکی پنجره اتاق مطالعه قرار دارد.

این کتابخانه بنا به گفته وایلد (Fergus Wilde) نقش تعیین کننده ای در پیدائی تئوری مارکس و انگلس و استدلالهایی دارد که در پایان منجر به تدوین اثر آن‌ها «مانیفیست کمونیستی» شد که در آخر فیروزی هزار و هشتصد و چهل و هشت انتشار یافت.

علی رغم این که انگلس اغلب در نقش حامی مارکس دیده شده است، نمی‌شود انکار کرد که انگلس به میزان زیادی در پیدائی و گسترش مارکسیسم مشارکت داشته است.

وایلد به خبرگزاری شینهوا گفته است که: "اسم مستعار «ویولن دوم» که انگلس به خودش داده است، فروتنی و قناعت نفس او را نشان می دهد. او همیشه مرتبه مطالعاتی و تحقیقی مارکس را مقدم می‌شمرد و هم از نظر مالی و هم آکادمیک از او حمایت می کرد". وایلد گفته است که ما نباید فراموش کنیم که حمایت از مارکس بی اندازه مهم بود. اگر انگلس او را پشتیبانی نمی کرد، شاید هرگز در وضعیتی نبود که «کتاب سرمایه»-کاپیتال- را بنویسد.

همچنین بلوما از مرکز تاریخی ووپرتال شخصیت ممتاز انگلس را برجسته می کند "وجدانا او در مورد خودش بسیار فروتن بود، او می داند که دوست کسی است که همه چیز را در طبق اخلاص گذارد. دوستی آن‌ها واقعاً محکم بود زیرا که آن‌ها دیدگاهی همگانه را نسبت به جهان، زندگی و ارزشها به اشتراک می گذاشتند."

انگلس نه تنها با تیزبینی وضعیت کارگران و استثمار آن‌ها به وسیله سرمایه داران را مورد توجه قرار داده، بلکه در عمل مشارکتی اساسی در تئوری مارکسیستی داشته است.

انگلس و مارکس نویسندگان «مانیفیست حزب کمونیست» بودند. بنیانگذاران اولین حزب کارگری جهان، که سرنوشته طبقه کارگر را تغییر داد.

بعد از فوت مارکس، انگلس کار و اثر ناتمام مارکس، یعنی «کاپیتال» را تنظیم و منتشر کرد، و از تئوری مارکسیستی دفاع نمود و آن را گسترش داد که تأثیر او فراتر از آن زمان است و فراتر از مرزهای اروپا می‌رود و به این‌گونه نقش رهبری جنبش کارگری بین‌المللی را به عهده گرفت.

یک نمایشگاه دائمی در «سالن نمایشگاه ارتباطات مارکسیستی در بیجینگ، چین هر سال هزاران بازدیدکننده را جلب می کند. از جمله موارد به نمایش گذاشته شده حدود پانصد نشریه و دستنویس در باره مارکسیسم و حدود سیصد عکس و تصویر از مارکس و انگلس. یک نیم تنه سفید که با مانیفیست های کمونیستی گوناگون و آثار اولیه خود انگلس و آثار دیگری مانند «ضد دورینگ»، «Anti Dühring» احاطه شده است.

سنگ فنگیو (Zang Fengyu)، سرپرست دانشکده فلسفه دانشگاه رنمین چین یک دهه است که مشغول (تحقیق) در مورد انگلس است. سنگ گفته است "که صرف نظر از نقشش در گسترش مارکسیسم شرکت فعالی در کاربرد تئوری مارکسیستی در عمل داشته است."

سنگ به خبرگزاری شینهوا گفته است: " اساساً انگلس مقالات مهمی نوشته است که به ما کمک می کنند مارکسیسم و سوسیالیسم و نیز فرمهای حکومت را برای یک جامعه مدرن بفهمیم. الهام بخشی کارهای او در سالهای آخرش در باره مدل حکومتهای سوسیالیستی برای کشورهای مدرن ثابت شده است."

از زمان بحران اقتصادی، غرب به جای این که خود را کاملاً متکی به رقابت بازار کند به تقویت قوانین و احکام اقتصادی پرداخته است. همچنین حکومت های غربی تلاش می کنند با تصویب قوانینی در مورد ساعات کار و حداقل مزد که رعایت و توجه به آموزه ها و تعالیم مارکس اند، امنیت اجتماعی را بهبود بخشند.

انگلس یک بار گفته است: " ملتی که مایل به صعود به قله دانش است محال است که بدون ملاحظات تئوریک به مقصد برسد." حزب کمونیست چین (CPC) از زمان بنیادش در سال هزار و نهصد و بیست و یک مارکسیسم را به مثابه اصول اساسی مورد توجه قرار داده است. به جای تئوری خشک و بدون نرمش و انعطاف، حزب کمونیست چین در این دهه آخر اصول اساسی مارکسیسم را با واقعیت چین در هم آمیخت و در روند انقلاب تا گشایش در های کشور، معجزه آسا عمل کرد.

تائو ونزو معاون سرپرست دانشکده تحقیقات مارکسیسم در دانشگاه رنمین چین گفته است که: "ترکیب جوهر سوسیالیسم با ویژگی های چین بر این اصل استوار است که مارکسیسم را به واقعیت چین پیوند دهد و یگانه راه رشد و توسعه خود را پیدا کند."



هان یوهای استاد ارشد دانشگاه بیجینگ که در حال تحقیق است: «ایده های شی جین پینگ از سوسیالیسم عصر جدید چینی آخرین دستاورد در انطباق مارکسیسم با متن و محتوای چینی است. هان گفته است: تاریخ نشان داده است که تازگی و پایداری مارکسیسم در چین را فقط می توان با آمیزش و ریشه دار کردن آن با تمدن چینی، پایدار ساخت. وقتی با علائق و تمدن چینی پیوند یابد و در عمل با هم هماهنگ باشند تا احتیاجات خلق چین را برآورده و مسائل عملی چین را حل کند.

در سالهای اخیر خلاف رشد متوقف و کند خیلی از کشورهای صنعتی، چین نرخ رشد متوسط تا زیاد خود را حفظ کرده و در حدود سی درصد به رشد اقتصاد جهان کمک کرده است.

در پنجمین جلسه عمومی نوزدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در آخر اکتوبر در بیجینگ، حزب کمونیست چین تعداد زیادی از اهداف دراز مدت را تعیین و تدوین کرده تا به نوآوری های لازم اجتماعی تا سال دو هزار و سی و پنج دست یابد. مارکسیسم در چین همچنان نقش ستراتیژیک دارد و تأثیر آن آشکارا به فراتر از مرزهای چین می رسد.

فیل کولینز موزیسین انگلیس که مجسمه انگلس را از اوکراین به منجستر برده است، یک بار گفته است که انگلس نویسنده ایست که ما امروز هم می توانیم در مورد پرسش هایی که او مطرح کرده است، عمیق و دقیق بحث و جدل کنیم. او نیاید محدود به زمان خودش شود و فراموش گردد.

<https://www.jungewelt.de/artikel/391>

ظفر دخت خواجه پور، ۰۲.۱۲.۲۰۲۰  
دنیای جوان، ۲۸، ۱۱، ۲۰۲۰ – آنلاین- تاریخ

ما به نوشتار بالا از خبرگزاری چین، شینهوا، استناد می‌کنیم

\*\*\*\*\*

یادداشت:

لازم به یادآوریست بنگاریم که طرز دید ما با آنچه اکنون به نام "مارکسیسم چینی" در چین اعمال می‌گردد، با نوشته حاضر و با حزب کونیست چین یک سان نیست. از دید ما نه تنها مارکس و انگلس، بلکه لنین، ستالین و مائو هم هیچ گاهی نگفته اند که منظور از تولید در یک ساختار سوسیالیستی "سود" است، بلکه آنها همیشه براین نکته تأکید ورزیده اند که تولید "سود محور" خصیصه ساختار اقتصادی - اجتماعی سرمایه داریست؛ بناءً به جرآن گفته می‌توانیم آنچه امروز به مثابه "مارکسیسم چینی" عرضه می‌گردد، چیزی نیست به جز "اقتصاد بازار" در یک ساختار اقتصادی- اجتماعی که ۴ اسپه به طرف امپریالیستی شدن روان است.

اداره پورتال AA-AA